

سرمایه داری امریکا و نرخ سود

مایکل رابرتز

برگردان: آرام نوبخت

آخرین تخمین از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۴ همین امروز منتشر شد. رقم رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ایالات متحده در سه ماه آخر سال نسبت به دوره مشابه سال قبل، بدون تجدیدنظر در سطح ۲.۲ درصد تعیین شد. اقتصاددانان جریان اصلی با اشتیاق اعلام کردند که سه ماهه کنونی سال ۲۰۱۵ که همین هفته به پایان می رسد، بهبودی را از خود نشان خواهد داد.

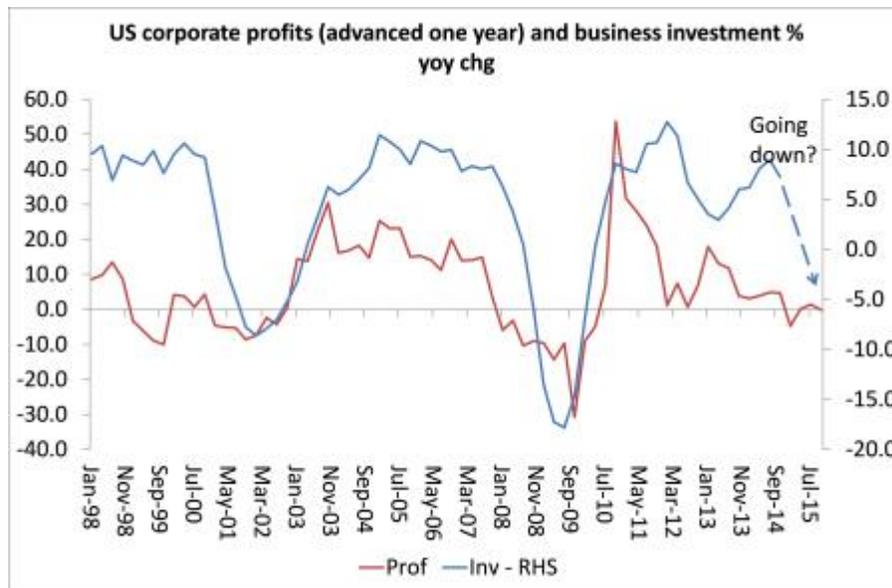
اما هیچ کسی در این بین به تغییر و تحول واقعاً مهمی که وجود داشت، اشاره نکرد و آن عبارت بود از کاهش سود شرکت ها در سه ماهه چهارم و افزایش خطر رکود جدید سرمایه گذاری طی سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶. حجم سود، به میزان ۳۰.۴ میلیارد دلار در سه ماهه چهارم سقوط کرد، آن هم برخلاف افزایش ۶۴.۵ میلیارد دلاری آن در سه ماهه سوم. به نظر می رسد که این اساساً به دلیل سقوط سودهای به دست آمده از خارج کشور باشد، چرا که قدرت دلار، درآمد حاصله بر حسب ارزهای مختلف را کاهش داد. این بدان معنا بود که سود شرکت ها نسبت به همین دوره در سال گذشته، ۰.۲ درصد پایین تر و در سال ۲۰۱۴ نسبت به ۲۰۱۳ نیز ۰.۸ درصد پایین تر است.

در نوشته های قبلی استدلال کردم که سود، محرکه سرمایه گذاری است؛ و سرمایه گذاری است که رشد تولید ناخالص داخلی واقعی را در اقتصادهای سرمایه داری هدایت می کند. در عوض طرفداران اقتصادی کینزی، خلاف این زنجیره علی و معلولی را دنبال می کنند، یعنی از نظر آن ها هزینه های مصرفی و سرمایه گذاری است که به درآمد و بنابراین سود می انجامد. در این مورد به نوشته قبلی من^(۱) و همین طور مقاله ای عالی از تاپیا گرانادوس^(۲) مراجعه کنید.

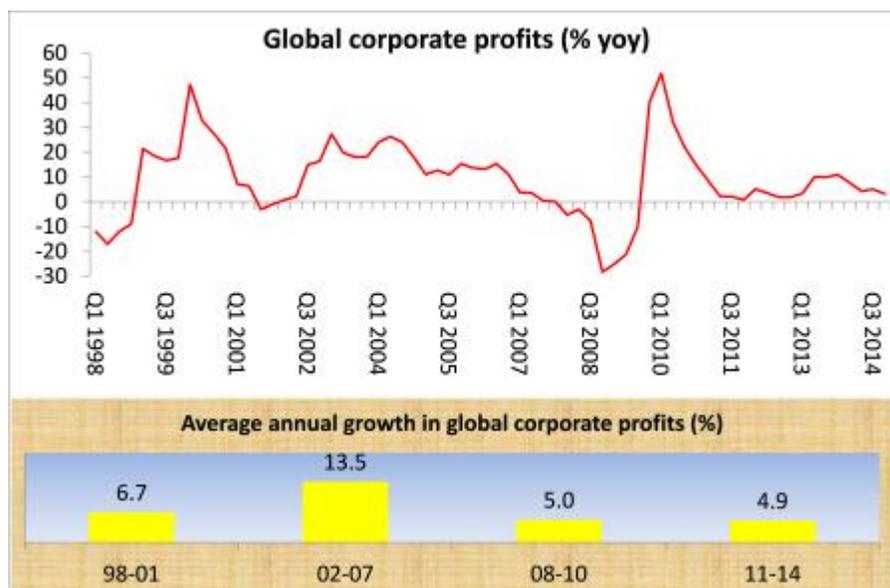
در سال ۲۰۱۴، علائم روشنی وجود داشت که نشان می داد رشد سود شرکت های ایالات متحده رو به آهستگی است.

استدلال من این بود که وقتی سودهای شرکتی آهسته می شوند، با کمی تأخیر سرمایه گذاری شرکت ها نیز به همین ترتیب عمل خواهد کرد. در سه ماهه چهارم ۲۰۱۴ سودها برای نخستین بار از زمان آغاز رکود بزرگ ژانویه ۲۰۰۸ منفی شدند. پیش از این در آغاز رکود ملایم ۲۰۰۱ نیز همین اتفاق افتاده بود. اکنون همان طور

که نمودار زیر نشان می دهد، این به معنای یک رکود جدید سرمایه گذاری تا پیش از اتمام سال جاری خواهد بود.



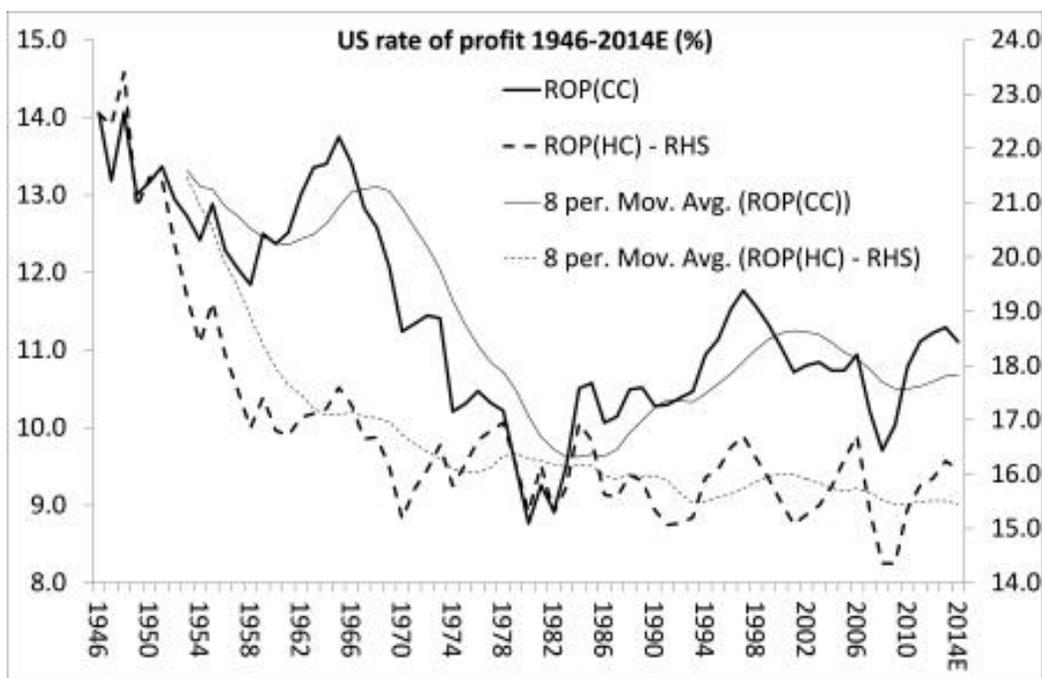
و این فقط سود شرکت ها در ایالات متحده نیست. من مشغول دنبال کردن سود شرکت ها در برخی از اقتصادهای سرمایه داری اصلی یعنی ایالات متحده، بریتانیا، ژاپن، چین و آلمان بوده ام. رشد مجموع سودهای شرکتی به سرعت رو به آهستگی بوده است، به طوری که از ۱۱ درصد (همین موقع سال گذشته نسبت به دوره مشابه قبل از آن) به تنها ۳.۲ درصد در اواخر ۲۰۱۴ رسید. به علاوه رشد سودهای شرکتی از زمان پایان رکود بزرگ، در قیاس با قبل بسیار ضعیف بوده است و اکنون به نظر می رسد که دارد از نفس می افتد.



ارقام سود صنعتی چین نیز که امروز برای دو ماه نخست امسال بیرون آمده، همین روند را منعکس می کند. سودهای صنعتی نسبت به دوره مشابه سال ۲۰۱۴ به میزان ۴.۲ درصد سقوط کرد که بزرگ ترین کاهش از اوایل ۲۰۱۲ به شمار می رود.

آخرین ارقام به روز شده برای ایالات متحده این امکان را می دهد که نگاهی به حرکت نرخ سود ایالات متحده تا سال ۲۰۱۴ هم داشته باشیم. من بر مبنای همان منابع، مقوله ها و روش هایی که در مقاله ام در مورد نرخ سود «کل اقتصاد» به کار گرفته بودم، این تخمین را به روز کرده ام^(۳).

برای آن دسته کسانی که علاقه دارند به طور دقیق و با جزئیات بدانند چگونه به این نتایج رسیده ام، همین کفایت می کند که من از حساب های اداره تحلیل اقتصادی NIPA استفاده کرده ام. من داده های خالص درآمد داخلی (یعنی تولید ناخالص داخلی منهای مصرف سرمایه) و هزینه های جبرانی کارکنان را از جدول شماره ۱.۱۰ حساب های NIPA و ارقام سرمایه را از جداول شماره ۶.۱ دارایی های ثابت (برای محاسبه نرخ سود به هزینه جاری) و جدول شماره ۶.۳ (برای محاسبه بر حسب هزینه تاریخی) گرفته ام. به علاوه در محاسبه خود از سود، سرمایه متغیر (یعنی هزینه های جبرانی کارکنان) را در مخرج کسر لحاظ کرده ام. کاری که تقریباً هیچ یک از تحلیلگران نمی کنند. در این جا وارد این موضوع نمی شوم که چرا در این مورد با دیگران اختلاف دارم (در این مورد نوشته منتشره نشده ای از من و «گ. کارکدی» وجود دارد)؛ و باز هم گفتن این امر کفایت می کند که اگر نرخ سود با صرفاً دارایی ثابت در مخرج کسر اندازه گیری شود، تفاوتی جدی و تعیین کننده نخواهد داشت.

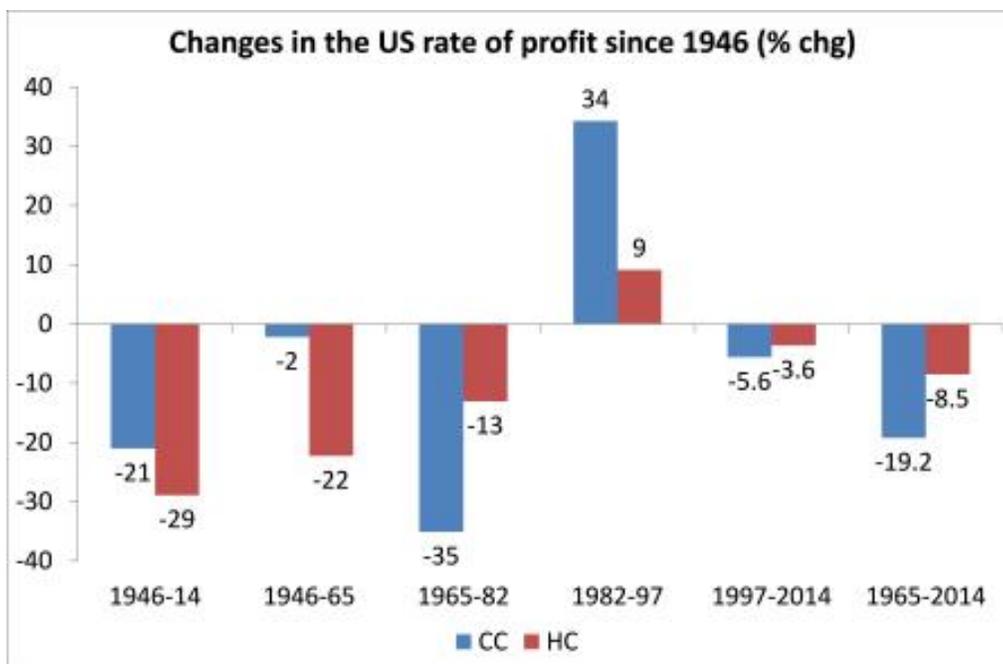


نتایج من نشان می دهد که نرخ سود ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ - چه برحسب هزینه جاری یا هزینه تاریخی برای دارایی های ثابت و استهلاک - برای نخستین بار از زمان آغاز بحران بزرگ کاهش یافت.

در نمودار فوق، داده ها باری دیگر آن چه را که من و سایر اقتصاددانان مارکسیست ادعا کردیم (برخلاف توما پیکتی و امثال او) تأیید می کنند. یعنی نرخ سود ایالات متحده از زمان پایان جنگ جهانی دوم به این سو، در یک روند نزولی بلندمدت قرار داشته است. یک دوره «عصر طلایی» از ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۵ وجود داشت که طی آن سودآوری بالا بود (دست کم بر حسب هزینه جاری)، اما سپس دوره ای از سقوط تند سودآوری (دوره بحران) را از ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰-۸۲ شاهد بود. از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۷ احیای چشم گیر و قابل توجهی در سودآوری (بر حسب هزینه جاری)، و بهبودی ناچیز یا پایان روند نزولی (بر حسب هزینه تاریخی) وجود داشت و این همان دوره نئولیبرالیسم است. از ۱۹۹۷، نرخ سود ایالات متحده وارد فاز نزولی شد. از زمان پایان رکود بزرگ، سودآوری در قیاس با مقادیر پایین آن در سال ۲۰۰۹ احیا شد، اما هنوز پایین تر از سطحی است که سال ۱۹۹۷ رسیده بود. و سپس در سال ۲۰۱۴ سقوط کرد.

با این داده های می توانیم به طور دقیق تری ببینیم که سودآوری چگونه تغییر کرده است. بین ۱۹۴۶ و ۲۰۱۴، سودآوری ایالات متحده در بخش سرمایه داری، ۲۱ درصد (بر حسب هزینه جاری) و ۲۹ درصد (بر حسب هزینه تاریخی) سقوط کرد. بخش اعظم این سقوط در نرخ سود بر حسب هزینه تاریخی (HC) بین ۱۹۴۶ و ۱۹۶۵ رخ داد، در حالی که نرخ سود بر حسب هزینه جاری (CC)، بین سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۸۲ به شکل عظیمی سقوط

کرد. بین سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۷، یعنی عصر نئولیبرالیسم، این نرخ احیا شد (که میزان این احیا بر حسب هزینه جاری بیش تر بود). از ۱۹۹۷ به این سو، سوددهی وارد روند نزولی شده است.



همان طور که قبلاً توضیح داده ام، نزدیک ترین تخمین از نرخ سود مارکسیستی، مستلزم استفاده از اقلام دارایی های ثابت و استهلاک بر حسب هزینه تاریخی است. وقتی که از هزینه جاری استفاده می کنیم، در قیاس با هزینه تاریخی شاهد افت و خیرهای بیش از حد و مبالغه شده خواهیم بود، و این به دلیل تورم قیمت های دارایی های ثابت و استهلاک بر حسب هزینه جاری است. اما روند بلندمدت فرقی نمی کند؛ برای این بحث که در طول یک دوره طولانی، محاسبات بر حسب هزینه جاری و تاریخی می توانند همگرا شوند، نگاه کنید به مقاله «د. باسو»^(۴).

قانون گرایش نزولی نرخ سود مارکس این است: نرخ سود یک اقتصاد سرمایه داری گرایش به تنزل در طول زمان دارد و همین کار را هم خواهد کرد. منتها دوره هایی هستند که عوامل خنثی کننده ای وارد عمل می شوند، به طوری که گرایش نزولی طی دوره ای از زمان واقعاً دستخوش سقوط نمی شود. بنابراین شما با یک سیکل از تنزل سوددهی و به دنبال آن صعود سوددهی و مجدد یک سقوط جدید رو به رو می شوید، همه این ها در یک فرایند بلندمدت نزولی رخ می دهد. نرخ سود ایالات متحده در دوره پسا جنگ این را با یک سیکل ۳۶-۳۲ ساله (از یک نقطه حداقل تا حداقل بعدی) آشکار می کند. برای اطلاع بیش تر می تواند به کتاب من با عنوان «رکود بزرگ» نگاه کنید.

قانون مارکس می گوید که نرخ سود به دلیل افزایش ترکیب ارگانیک سرمایه تنزل خواهد کرد (ارزش سرمایه ثابت نظیر ماشین آلات، کارخانه و مواد خام، سریع تر از سرمایه متغیر، یعنی حقوق و مزایای پرداختی به کارگران افزایش خواهد یافت). داده های ایالات متحده این را تأیید می کند. یک همبستگی معکوس نیرومند (۰.۶۷-) بین ترکیب ارگانیک سرمایه و نرخ سود وجود دارد. ترکیب ارگانیک سرمایه بین سال های ۱۹۴۶ تا ۲۰۱۴، ۲۰ درصد افزایش یافت و نرخ سود ۲۰ درصد سقوط کرد. در دوره افزایش سوددهی، از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۷، عوامل خنثی کننده وارد صحنه شدند، به خصوص افزایش نرخ استثمار (ارزش اضافی) و ارزان شدن ارزش سرمایه ثابت که منجر به سقوط ترکیب ارگانیک سرمایه شد. در آن دوره نرخ ارزش اضافی ۱۳ درصد صعود کرد و ترکیب ارگانیک سرمایه ۱۶ درصد کاهش یافت. طبق محاسبات من، افزایش نرخ سود از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴، دو سوم به دلیل افزایش استثمار نیروی کار در دوره نئولیبرالیسم و تنها یک سوم به دلیل تکنولوژی ارزان تر بود. این نیز بار دیگر قانون مارکس را حمایت می کند.

بنابراین در مجموع، نرخ سود ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ برای نخستین بار از زمان ۲۰۰۸ سقوط کرد و مجموع حجم سودهای شرکتی نیز در سال ۲۰۱۴ کاهش داشت و در سه ماهه آخر آن منفی شد. رشد سود شرکت ها در جهان نیز به طور قابل توجهی رو به آهستگی است. همه این ها نشان می دهد که روزها (یا سال های) بهبود اقتصادی، به همان صورت که هست، احتمالاً به پایان می رسد. سیکل اقتصادی کنونی رونق و رکود به نظر می رسد که تقریباً ۸ یا ۹ ساله باشد. نقطه حداقل رکود آخر در اواسط ۲۰۰۹ بود. این به آن معنا خواهد بود که نقطه حداقل بعدی در حدود سال های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ خواهد بود. و نقطه اوج پیش از رکود اغلب ۱۲ تا ۱۸ ماه پیش از آن است، یعنی در حدود سال های ۲۰۱۶-۲۰۱۷.

(1) <https://thenextrecession.wordpress.com/2012/06/26/profits-call-the-tune/>

(2)

http://sitemaker.umich.edu/tapia_granados/files/does_investment_call_the_tune_may_2012_forthcoming_rpe.pdf

(3) <https://thenextrecession.files.wordpress.com/2011/11/the-profit-cycle-and-economic-recession.pdf>

(4) <https://thenextrecession.files.wordpress.com/2012/11/basu-on-rc-versus-hc.pdf>

منبع:

<https://thenextrecession.wordpress.com/2015/03/27/profit-warning/>